

پتروشیمی اراک پس از خصوصی سازی

جمعی از کارکنان پتروشیمی اراک

بیست هشتم آذرماه هشتاد و شش

پتروشیمی اراک بخشی از صنایع نفت است ، خوراک این شرکت از پالایشگاه تامین میشود . محصولات این شرکت تقریباً انحصاری ست ورقیب های جدی در کشورهای صنعتی و توسعه یافته ندارد . لذا هیچ مشکلی فعلاً جهت تولید و بازار مصرف نداشته ، پس با مسائل ومشکلات دیگر صنایع هم چون نساجی ، خودرو سازی ، قند وشکر، پوشاک ...مواجه نیست. با این همه ، پس از خصوصی شدن شرایط برای حقوق بگیران بدتر شده است. و مدیریت جدید مرحله به مرحله معیشت کارگران را زیر ضرب گرفته است ، چون استراتژی مدیرعامل قمصری تنها تحقق eps (مقدار سود سالیانه هر سهم) و افزایش مستمر آن است .

از آن زمان که آقای نعمت زاده مدیریت صنایع پتروشیمی اعلام کرد که کارکنان شرکت همراه با شرکت واگذار شده اند و با ادبیات خاص خود فرمود: آتش با جاش !

کارکنان شرکت از این توهین بر آشفتند، تجمع کردند،اعتراض نمودند اما به جهت اینکه نیرو و ظرفیت آنها برای توقف چرخ خصوصی سازی کافی نبود ،شرکت خصوصی شد.

این منازعه درسهایی هم برای آموختن داشت ، اول اینکه حامیان سرمایه و مدیریت هشیار شدند که کارگران همواره توده ای مسخ شده وگوش به فرمان نیستند. وکارگران هم دریافتند که تنها با همبستگی ،اتحاد وانسجام می توانند از حقوق خود در مقابل سود ورزی بی پایان سرمایه ومدیران گوش به فرمان آن دفاع کنند .

مدیران وحشترده از اعتراض رو به تزايد کارگران ، در تجمعات وعده ها دادند ، که در شرکت خصوصی شده ، ما از موانع قانونی و دست وپا گیر خلاص شده ولذا بهتر میتوانیم به وضعیت رفاهی وحقوقی پرسنل رسیدگی کنیم والی.....داستان های خوش....

حال که مدت مدیدی از آن زمانها میگذرد وآبها از آسیاب افتاده،آن وعده ها دروغ وفریب نبود ، آری ، تعجب نکنید رویاها به حقیقت پیوست . اما ... یک سویه ، آن وعده ها تنها برای خودشان وکارگزاران شان بود ، تا از آنها به عنوان چماقی بر علیه کلیت کارگران استفاده کنند . کارگران تا در یک صبح دل انگیز چشم باز کردند اسب تراوی قمصری وشركاء را در جلو امور اداری شرکت دیدند . آری آنها تیول خودرا،زنده ومرده فتح کردند!.

مدیریت برای مسئولین خودرو های اختصاصی خرید وهزینه تعمیر و نگهداری آنها را هم داد، برای خودروهای شخصی آنها پارکینگ اختصاصی آنچنانی ساخت که یحتمل هزینه ساخت آن از هزینه خرید و نگهداری ماشینها بیشتر شده است. تا مباد که گزند باد وباران وآفتاب رنگ از رخسار ماشین ها بزداید.

منازل سازمانی را در سطح شهر به نور چشمی هابا شرایط مناسب وخود ساخته واگذار کرد،کارانه های نجومی که گاه"تا پنجاه برابر حتی یک مهندس دیگر است می دهد، سفرهای خارجی مرتب برای آنها تحت عناوین شرکت درسمینار و بازار یابی برگزار میکند.....

این مدیران دچار توهم هم میشوند، در کلاسهای مدیریت شرکت می کنند و گویج سر شده خود را در آیینیه با جناب بیل گیتس قیاس می کنند. سود آوری شرکت را نتیجه درایت خود میدانند غافل از اینکه این سود به علت چند رانت است. اول خوراک ارزان، دوم بازار انحصاری و غیر رقابتی، سوم سوخت ارزان و آخر آب مفت که همه از منابع مردم به حساب سرمایه شارژ میشود.

مدیریت جدید دو شرکت پیمانکاری پتروصنعت و پتروکاران را عملاً "قبضه کرده و به حقوق قانونی سهامداران که اغلب پرسنل شرکت می باشند تجاوز می کند. این حق همان انتخاب اعضای هیئت مدیره است که، وقتی کارگران خواستند نفر مورد نظر خود را انتخاب کنند شخص مزبور از طرف مدیریت تهدید شده و از او خواستند که انصراف دهد و او هم به ناچار تمکین کرد. به قول معروف نا محرمان را در خلوت راهی نیست.

جناب میر عامل رییس خدماتی آورده تا بساط کباب خوری آنها را رونقی دهد. در زمان دولتی بودن شرکت مدیر عامل وقت در همان رستوران اصلی با کارگران غذا میخورد، به تظاهر یا خالصانه در صف می ایستاد و احساس همدلی هر چند کاذب را ایجاد می کرد. ولی خود بینی و تفرعن مدیران خصوصی به جزیی ترین حوزه ها سرایت کرده است. آنها در رستورانی مجزا و سفارشی پذیرایی می شوند و بی کیفیت ترین غذا را که مانند غذای زندانیان است برای کارگران شیفتر و روز کار تدارک می بینند.

آنها حتی صبحانه سرویس تهران را، که خانواده کارگران از آن جهت اعزام های پزشکی استفاده می کردند تبدیل به یک سانددیس و بیسکوئیت خشک و خالی آن هم ساعت شش صبح کردند. گمان برده نشود که صبحانه قبل چی بود؟! نان و پنیر، پاکتی شیر و لیوانی چای.

بله اگر بخواهیم eps بالا برود و مدیران هم ریخت و پاش ها را داشته باشند به سادگی امکان پذیر است. از سه هزار نفر اندکی کم کنید، می توانید به اندکی بسیار ببخشایید.

اما کارگران شرکت مرغ عروسی و عزا هستند. آنها که در انفجار مخازن تمام سوز شده، و درناک و بی صدا زیر خروارها خاک مدفون می شوند و باز ماندگان خود را در حسرت آرزو های از دست رفته تا روز مرگ ماتم زده میکنند، آنها که در میان اکسترودرها له و معیوب میشوند، آنها که در آلوده ترین محیط کاری جان می کنند و به انواع بیماریهای لا علاج مبتلا می شوند، آری آنها از این سودهای افزون شده چه سهمی دارند؟

این بردگان مزدی تنها زمانی که سود آوری مقبول مدیران باشد هزینه معیشتی که آن هم با خصوصی شدن در تهدید است دریافت می کنند. فاجعه وقتی ست که سود کم شود، اولین قربانیان کارگران هستند که حقوقشان گروگان گرفته می شود، تجربه ای را بد نیست که بدانید..

حدود پنج ماه است که از اجرای طرح توسعه شرکت میگذرد، این طرح موفقیت آمیز نبوده، حداقل به این دلیل که طبق برنامه می بایست کار در چهل و پنج روز انجام میشد و پس از آن شرکت به تولید اسمی قبل به علاوه بیست درصد اضافه می رسید. ولی تا به حال پنج ماه گذشته و هنوز شرکت تازه لنگ لنگان همان تولید قبل از توسعه را می دهد، یعنی سه ماه نیم شرکت خارج از برنامه و رویهمرفته پنج ماه تولید نداشته. در این شرایط آقای قمصری به جای اینکه از دوجین کاریکاتورهای بیل گیتسی خودش جواب بخواهد، بدون منطق اضافه کار کارگران را که شب و روز تلاش کردند به گروگان گرفته است. باید از این ارباب پرسید: مگر قبل و بعد از اجرای این پروژه، کارگری

در جایی طرف مشورت شما قرار گرفته بود که از آنها تاوان میگیری؟ اصلاً" در گوشه ای از تفکر شما جایی نظر خواستن از کارگر معنی ومفهومی دارد . در شرکتی که حتی لباس کار سه هزار کارگر را حمیدی انتخاب می کند ،نظر افراد جایگاهی دارد؟

آیا شما پول پیمانکاران داخلی و خارجی را وعده راه اندازی موفق شرکت کردید؟

با این قراین وتفاسیر شما کارگران را بردگان مزدی خود دانسته وحق خود می دانید که به حقوق آنها تجاوز کنید . این نوشته خلاصه ای بود جهت پرتو افکنی بر وضعیت شرکتها پس از خصوصی شدن ،بدیهی ست که مدیران خود را در همه عرصه ها ی تجاوز به حقوق کارگران ، دخالت ندادن آنها در هیچ زمینه ای مبسوط الید می دانند وتا کارگران نتوانند در تشکلی سازمان یافته وسراسری در مقابل سرمایه گرد هم آیند ،در بر همین پاشنه خواهد چرخید .

از طرف جمعی از کارکنان پتروشیمی اراک

سایت سلام دمکرات

چهارشنبه ۱۹ دسامبر ۲۰۰۷، بوسیله ی دیاکو